

پژوهشی پیرامون تعداد همسران و فرزندان امام حسن مجتبی

<?xml encoding="UTF-8">

یکی از ابعاد و زوایای قابل تأمل و کنکاش در زندگانی اشخاص، به ویژه شخصیت های بزرگ جهانی، بررسی تعداد همسران و فرزندان و کیفیت برخورد با آنهاست.

به همین جهت در این نوشتار، برآنیم تا در خصوص خانواده امام حسن مجتبی علیه السلام بحثی را ارائه دهیم. این بحث از سوی مورخان زیادی مورد پژوهش قرار گرفته است؛ ولی متأسفانه مطالب غیر واقعی و دور از حقیقت نیز در کتابهای تاریخی آمده؛ تا جایی که امروزه - که «عصر فضا و اتم» نام گرفته است - با نهایت بی دقتی و یا دشمنی، در کتاب دائرة المعارف اسلامی¹ (نوشته مستشرقین) چه نسبت های ناروایی به ساحت مقدس امام حسن علیه السلام داده می شود!

بنابراین چه نیک و ضروری است که در این مقوله، بحث های دقیقی ارائه شود؛ تا حقایق روشن شده، نسبت های ناروا نیز از ساحت قدسی آن معصوم زدوده گردد.

در خصوص فرزندان آن حضرت چندان اختلافی نیست و چنانچه اختلافات جزئی در تعداد آنها وجود داشته باشد، اما این اختلافات دست مایه اتهامات و نسبت های ناشایست نشده است؛ بلکه در محدوده بحث های تاریخی، محدود مانده است. ولی در خصوص تعداد همسران آن حضرت، بسیاری از مورخان راه افراط را پیش گرفته اند و در این وادی بسی جولان داده اند، لاجرم فرسنگ ها از حقایق و واقعیت ها فاصله گرفته اند.

از این رو برماست که به بررسی و تحقیق بپردازیم؛ تا در حد امکان، حقایق مجهول آشکار گردد. آنچه در زبان مردم و در نوشتار بسیاری از مورخان؛ حتی برخی از مورخان شیعه راه یافته است و شاید تا مرز پندار مسلم نیز پیش رفته، این است که امام حسن علیه السلام دارای همسران متعدّد و کثیری بوده است. گرچه تعدادی از تاریخ نگاران در این مورد اتفاق نظر دارند؛ اما در مورد تفسیر و تحلیل آن، هرگز یک رأی وجود ندارد.

دشمنان اهل بیت علیهم السلام و همچنین کسانی که پی به حقیقت والای امامت نبرده اند و هرگز کام معرفتشان با چشمه زلال و شفاف ولایت آشنا نگشته است، این مطلب (ازدواج های آن حضرت) را دست آویز خود قرار داده، برای سرکوب شخصیت بی نظیر امام حسن علیه السلام، به او معترض گشته اند. آنان، امام علیه السلام را به عنوان یک شخص عیاش قلمداد کرده اند و علت صلح او را نیز در همین راستا تحلیل و تفسیر نموده اند. معاندان می گویند: امام برای راحت ماندن از مشکلات حکومت و برای رسیدن به بزم، ترک رزم نمود و تن به صلح داد. اینان در تأیید کلامشان به هرچیزی تمسک جسته و در این وادی چنان پیش رفته اند که موادّ صلح نامه را نیز در همین راستا تفسیر کرده اند.

در مقابل گروه فوق، دوستداران اهل بیت علیهم السلام هستند که ضمن قبول اصل مطلب (کثرت زوجات) در تحلیل و تفسیر آن نظر دیگری دارند که با نظریّه فوق در تضادّ کامل است؛ چه اینکه اینان، مطلب را نه تنها کسر شأن شخصیت امام علیه السلام ندانسته اند، بلکه آن را توجیه کرده و یکی از فضایل و مناقب آن حضرت به حساب آورده اند.

دلیل این گروه هم این است که امام علیه السلام شخصاً اقدام به این کار نمی کرده است بلکه خود زنان و والدین آنها اقدام به وصلت با امام کرده و به این کار افتخار می نمودند. در چنین فضایی بود که آن حضرت بنا

به مصالحی، می پذیرفت.

حال که این دو نظریه متضاد در یک موضوع تاریخی وجود دارد، سزاوار است یک تحقیق و بررسی دقیقی انجام گیرد؛ تا اولاً: ماهیت و صحت و سقم آن روشن شود و ثانیاً: در صورت اثبات مطلب، علل آن بررسی گردد؛ تا روشن شود. حق با کدامین گروه است؟

نمای کلی بحث

با توجه به مطالبی که پیشتر مطرح شد، بحث در این رابطه در چند مقام خواهد بود:

1. تعداد فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام ؛
 2. تعداد همسران امام حسن مجتبی علیه السلام ؛
 3. ذکر روایات و گزارشات و نقد و بررسی آنها؛
 4. نقل اقوال نظریه پردازان؛
 5. نقد، بررسی، تحلیل و نتیجه گیری می رسد.
- یکی از آنها، قول یعقوبی است که معتقد است امام دارای 15 فرزند بوده است که هشت نفر از آنها پسر و هفت نفر دختر بودند. یعقوبی در کتاب خود، اسامی پسران امام علیه السلام را نیز متذکر شده، ولی به اسامی دختران اشاره ای نکرده است.
- مرحوم طبرسی نیز در اعلام الوری نقل کرده، امام حسن علیه السلام دارای 16 فرزند دختر و پسر بوده است. او در کتاب خود، اسامی آنها را نیز با ذکر نام مادرانشان یادآور شده که عبارتند از:
- زید بن حسن و دو خواهرش امّ الحسن و امّ الحسین، مادرشان امّ بشیر بنت ابی مسعود خزرجی.
 - حسن بن حسن، مادرش خوله بنت منظور فزاریه.
 - عمر بن حسن و دو برادرش عبدالله و قاسم، مادرشان امّ ولد بوده و عبدالله و قاسم در کنار عمویشان امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسیدند.
 - عبدالرحمن بن حسن، مادرش امّ ولد بود.
 - حسین بن حسن و برادرش طلحه و خواهرش فاطمه، مادرشان امّ اسحاق بنت طلحة بن عبیدالله تیمی.
 - ابوبکر بن حسن، که بنا به نقلی در کربلا شهید شد.
 - امّ عبدالله، امّ فاطمه، امّ سلمه و رقیه که از مادران مختلف بوده اند. 2
- مناسب است در اینجا عقیده شیخ مفید را نیز یادآور شویم که در ردیف نظریه های میانه است. ایشان در کتاب ارشاد تعداد فرزندان امام حسن علیه السلام را 15 نفر 3 دانسته است. با توجه به اعتبار و دقت علمی شیخ مفید و مطابقت نظریه او با اقوال بسیاری از مورّخان، می توان این نظریه را مورد پسندتر دانست. نام فرزندان امام در ارشاد همان است که در کتاب اعلام الوری نقل شده، به استثنای ابوبکر؛ زیرا شیخ مفید او را همان عبدالله می داند که در کربلا شهید شده است. به هر حال، نظریه اخیر معقول تر به نظر می رسد.

کارنامه فرزندان امام حسن علیه السلام

نکته قابل توجه در خصوص فرزندان و نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام - که کارنامه آنها را زرّین و درخور توجه و تحسین قرار داده است - اینکه عده ای از آنان توفیق حضور و شرکت در ماجرای خونین کربلا را پیدا کرده

و اغلب هم شهید شده اند. برخی دیگر از فرزندان آن حضرت که چنین توفیقی پیدا نکردند، در میان مردم از چنان حُسن معاشرتی برخوردار بودند که تاریخ، همواره نام و یاد نیک آنها را یادآور شده است، که به یک نمونه از آنها اشاره می کنیم.

حسن مثنی

یکی از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام معروف به «حسن مثنی» است که با عموی گرامی اش در کربلا حضور داشت. وی قهرمانانه جنگید؛ تا بر اثر زخمهای متعدّد به زمین افتاد. مردم گمان کردند که او کشته شده است؛ آنگاه خواستند سرش را از بدن جدا کنند، ولی معلوم شد که او هنوز زنده است. در این حال، «اسما» پسر خارجه فزاری، شفاعتش کرد. چون مادر او (حسن بن حسن) فزاری بود، از این رو اسما، وی را معالجه نمود؛ تا اینکه بهبود یافت. وی با فاطمه دختر امام حسین علیه السلام ازدواج کرد. بیشتر حسنی هایی که در دوران عباسیان، علیه ظلم و ستم قیام کردند، از نوادگان همین شخصیت عظیم و انسان با فضیلت بودند. 4

تعداد همسران

نظرات در خصوص تعداد همسران امام به دو طریق، از کانال منابع تاریخی، به ما رسیده است:

الف) به صورت گزارش؛

ب) به صورت روایت.

حال باید هریک از موارد فوق را به طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار دهیم و در نهایت، ضمن نقد مطالب مطروحه، نتیجه مطلوب را به دست آوریم.

گزارشهای تاریخی

در کتاب های تاریخی، گزارشات مختلفی در این رابطه آمده است که به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد.

ابوالحسن مدائنی:

«كان الحسن كثير التزويج. . . و قال أحصى زوجات الحسن فكنّ سبعين امرأة؛ حسن بن علی، بسیار ازدواج می کرد؛ وقتی همسرانش را شمردند، به هفتاد تن رسید». 5

بلخی:

«وكان ارحى ستره علی مأتین حُرّة؛ حسن بن علی با دویست زن آزاده ازدواج نمود». 6

ابوطالب مکی:

«انه تزوّج مأتین و خمسين امرأة و قيل ثلثمائة و كان علیّ يضجر من ذلك؛ حسن بن علی 250 زن به همسری خود درآورد و بلکه گفته شده با سیصد زن ازدواج نمود و پدرش علی بن ابی طالب از این امر، رنج می برد». 7

حسین عمادزاده:

«امام حسن علیه السلام با چهارصد زن ازدواج کرده است». 8

شیخ راضی آل یاسین:

«تعداد همسران امام مجتبی علیه السلام ، با توجه به فرزندان او، از هشت نفر تا ده نفر تجاوز نمی کند». 9

بررسی و تحلیل

اندک تأملی در تاریخ، نشان می دهد که هیچ گونه گزارش معتبری در این خصوص از علی و خود امام حسن و دیگر امامان معصوم علیهم السلام نرسیده است. روایات و گزارش هایی را که به علی علیه السلام منتسب کرده اند، فقط صرف انتساب است، آن هم بعد از قرن یکم هجری؛ که خود این فاصله زمانی، اعتبار این اخبار را مخدوش می کند.

و مهم تر اینکه اگر چنین چیزی در مورد امام حسن علیه السلام حقیقت داشت، دستگاه تبلیغاتی بنی امیه، به سرکردگی معاویه بن ابی سفیان، به سادگی از کنار آن نمی گذشتند، و بدون تردید در راستای مخدوش نمودن چهره امام، از آن بهره می جستند. چنان که این کار سابقه هم دارد؛ به طوری که پدر بزرگوارش علی علیه السلام را در نظر مردم شام بی نماز جلوه داده بودند.

با توجه به این نکته، هیچ گونه گزارشی در این خصوص از آن زمان دریافت نشده است. بنابراین، نکته فوق به تنهایی دلیل محکمی است بر کذب بودن مطلب ادّعایی.

شایعه ساز چه کسی است؟

اکنون جای طرح این سؤال است که: چه کسی و با چه انگیزه ای منشأ رواج این گونه گزارشات شده است؟ تحقیق در تاریخ نشان می دهد، وقتی که در سال 136 هجری، منصور دوانقی به رغم بیعت با حسنی ها، خود به حکومت رسید و بنی الحسن، به ویژه برجستگان و مجاهدان آنها را در مقابل خود مزاحم دید - خصوصاً که در آن ایام نهضت های مهمی هم از طرف علویان و سادات حسنی، صورت می گرفت که گاهی تا حدّ سقوط و نابودی منصور هم پیش می رفت - در این رویداد مهم است که منصور جهت خاموش کردن قیام های مردمی، شروع به «ترور شخصیت» می کند. و در همین راستا اولین تیر افتراء و بُهتان خود را به شجره طیّبه امام حسن علیه السلام نشانه می رود. منصور در همین جهت برای توجیه خلافت غاصبانه خود، در خطابه ای برای مردم خراسان به صراحت می گوید:

«فرزندان ابوطالب در امر خلافت بهره ای ندارند. پدرشان علی برای خلافت به پاخاست ولی سرانجام با شکست مواجه شد و نهایت امر، خود نیز قربانی گشت. پس از آن، فرزندش حسن به پاخاست. به خدا قسم! پول هایی را که به وی عرضه شده بود، پذیرفت و معاویه او را فریب داد و از حکومت محرومش کرد تا اینکه او از شهر کوفه به شهر خود (مدینه) بازگشت و روی به زنان نمود؛ امروز با یکی ازدواج می کرد و فردای آن روز، یکی را طلاق می داد؛ با این شیوه به سر برد تا در بستر خویش بمرد». 10

حرکت شوم و شیطانی منصور (دومین خلیفه عباسی) که عمدتاً با انگیزه سیاسی آغاز شده بود، در قالب تبلیغات مسموم علیه امام علیه السلام، زمینه ای فراهم نمود تا حامیان منصور، به ویژه قلم به داستان مزدور و حتی گاهی دوستان نا آگاه و نا آشنا به مصالح امت اسلامی نیز به طور ناخواسته با آنان همراهی نمایند. این مسأله تا بدانجا کشید که سرانجام از کاه، کوه ساختند و از موی، مناره، و تعداد همسران امام را در حدّ ارقام نجومی به 400 نفر هم رساندند!

این دروغ پردازان همین مطلب را حربه ای علیه اهل بیت علیهم السلام و تشییع قرار دادند؛ تا در سایه آن به حکومت غاصبانه خود استحکام بخشند. با این وصف، جای تعجب است که هیچ نام و نشانی از چهار صد همسر ادّعایی وجود ندارد؛ الاّ تعداد اندکی، که آن هم در آن زمان کاملاً معمول و معقول بوده است. بنابراین، پر واضح است که اغلب این گونه گزارش ها با اهداف شوم سیاسی و غرض آلود از طرف رقبای نالایق و

غاصب مطرح شده و متأسفانه در کتابهای تاریخی نیز جای گرفته است. و این مطلب جای چندان تعجّبی هم نیست که چگونه این دروغ های شاخ دار در کتاب ها نیز آمده است؟ چرا که حکومت در دست آنها بود و از این روی، مورّخان و کاتبان بی تعهد نیز با امکانات و خطّ و نشان آنان کار می کردند و مطالب غیر واقعی را در منابع تاریخی وارد می نمودند؛ همچنان که در خصوص «جعل حدیث» نیز چنین خیانتی انجام گرفت.

اشکالات دیگر

ضمن اینکه با نقل جریان خطابه منصور و دروغ پردازی آن، پی به عدم صحّت گزارشات و بی اساس بودن آن بردیم، اشکالات عدیده دیگری هم مطرح است که به اختصار به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد.

تضادّ فاحش، علامت دروغ فاحش

با توجه به اختلاف شدید در گزارشات و نظرات رسیده در خصوص همسران امام حسن علیه السلام، که از هشت نفر تا چهارصد نفر نوشته شده است، مشخص می گردد دست های پنهانی در جریان بوده اند؛ تا برای خدشه دار نمودن چهره تابناک و ملکوتی امام علیه السلام شایعات بی اساس، طرح و رواج یابد؛ تا فضائل این شخصیت والای امامت را تحت الشعاع قرار دهند.

معلول، بیانگر علت است

یکی دیگر از راه های اثبات گزافه گویی ها و دروغ پردازی ها در این خصوص، این است که اگر کسی این تعداد همسر داشته باشد، می باید چندین برابر آن، فرزند داشته باشد. به ویژه در آن مقطع زمانی که توجه و اهمیّت زیادی به کثرت فرزندان داده می شد، و بر فراوانی آن (خصوصاً پسر) فخر می کردند؛ احادیث نبوی هم به امر ازدواج و زیادی فرزندان، تشویق می نمود همچون: «تَنَاحُوا تَكْتَرُوا اِنَّ اُبَاهِي بِكُمْ الْاُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ؛ 11 ازدواج کنید تا فرزندانتان زیاد گردد. من (پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم) افتخار می کنم روز قیامت بر زیادی امتم، گرچه از کسانی باشند که در رحم مادرانشان مرده باشند». با همه اینها، حدّاکثر فرزندی که برای امام حسن علیه السلام نوشته اند 31 نفر 12 است و این، در حالی است که تعداد 7 نفر 13 نیز در کتاب های تاریخی آمده است.

جواب سؤال مقدّر

چنانچه کسی تصوّر کند که: «امام حسن علیه السلام زنانِ نازا می گرفته است یا خود آنها از حاملگی جلوگیری می کرده اند و یا فرزندان زیادی متولد شده و بعداً از دنیا رفته اند.» جواب، روشن است که اولاً: چنین تصوّری عقلاً مورد قبول نیست و بسیار بعید می نماید. ثانیاً: هیچ گونه خبر و گزارشی در این مقوله در کتاب های تاریخی نیامده است. بنابراین، کذب بودن ادّعاهای این چنینی، روشن و روشن تر می شود. جای تعجب نیست که چرا دروغ پردازانِ ختّاس از این نکته غافل مانده اند؛ زیرا نسیان و فراموشی، از علائم و شاخصه های بارز دروغگویان است. دروغگو، کم حافظه است؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «انّ ممّا اعان الله به علی الکذّابین النسیان؛ از چیزهایی که خداوند به وسیله آن علیه دروغگویان و به نفع حق کمک کرده است، فراموشی است».

زنان ناشناخته

دلیل دیگر بر ردّ ادّعای مذکور، این است که این همه همسر برای امام حسن علیه السلام مطرح کرده اند؛ آیا نباید حداقل نصف یا 31 از آنان از جهت پدر، مادر، قبیله و... مشخص می شدند؟ در حالی که خیلی از این زنان ادّعایی، حتی نامشان نیز مجهول است.

فقط سه داماد!

با آن همه زنان ادّعایی که برای امام علیه السلام نوشته اند، به جا بود که حداقل 50 دختر داشته باشد و بالتبع همین تعداد، داماد هم برایش ثبت می کردند. ولیکن در این خصوص فقط سه داماد برای آن حضرت معرفی شده است که عبارتند از:

1. امام زین العابدین علیه السلام، شوهر فاطمه (امّ عبدالله)؛

2. عبدالله بن زبیر، شوهر امّ الحسن؛

3. عمرو بن منذر، شوهر امّ سلمه. 15

حال در اینجا این سؤال پیش می آید که: آیا معقول است از چهار صد زن، فقط سه دختر و یا حداکثر هفت دختر، متولد شده باشد و تنها سه تن از آنان ازدواج کرده و از بقیه نام و نشانی نباشد؟!
پر واضح است که اگر مطالب ادّعا شده درست می بود، باید تاریخ، فرزندان و دامادهای زیادی برای امام ثبت می نمود؛ ولی همان گونه که اشاره شد، فقط سه داماد برای امام ذکر شده است.

مقایسه زمان امام حسن علیه السلام با عصر حاضر

با اندکی دقّت و مقایسه عصر امام علیه السلام با عصر کنونی، صحتّ و اعتبار اشکالات مطروحه، مورد تأیید قرار می گیرد؛ زیرا در شرایط نوین اقتصادی و به رغم تبلیغات گسترده جهانی و منطقه ای که برای کاهش و کنترل جمعیت می شود و بسیار هم مؤثر افتاده است، تا جایی که طبق یک نظر سنجی که از مردم آلمان به عمل آمده بود «65% از مصاحبه شوندگان اظهار داشته بودند، ترجیح می دهند سگ داشته باشند تا فرزند!» 16
اما با همه این احوال، چندی پیش در روزنامه ها نوشته شد: «مردی با دوازده زن دارای چهل فرزند است.» البته این خبر از باب یک نمونه است و گرنه، نمونه های فراوان دیگر نیز دیده و یا شنیده شده است، مثل مردی که با داشتن دو زن، صاحب نوزده فرزند و مرد دیگری با چهار زن، صاحب چهل فرزند بود.
خلاصه اینکه امروزه میانگین فرزند برای هر زن، 3 نفر است. بنابراین با همین آمار امروزی و با همه محدودیت ها، شخصی که دارای چهار صد زن بوده باشد، حداقل باید 1200 فرزند داشته باشد. در صورتی که برای امام علیه السلام در آن زمان خاص - که اهمیّت زیادی به کثرت اولاد می دادند و حتی بدان فخر و مباهات می کردند - حداکثر 31 فرزند و تنها سه داماد ثبت شده است. بنابراین، مقایسه فوق نیز دروغ بودن کثرت زوجات امام علیه السلام را ثابت و تأیید می کند.

اشکال دیگر

اشکال مهم تر دیگری به مسأله جنجالی تعدّد زوجات، مطرح است که: گرفتاری های اجتماعی - سیاسی امام، هرگز فرصت و اجازه چنین سرگرمی های مبتذل و خوشگذرانی های مسأله ساز و لغو را به امام نمی داد. چه

اینکه حلّ و فصل امور مردم در خیلی از مواقع، به عهده ایشان بوده است. در این باره مدائنی نقل می کند: «امام مجتبی علیه السلام هر روز بعد از نماز صبح، تا طلوع آفتاب در محراب عبادت می نشست؛ لکن پس از طلوع آفتاب تا ظهر، جوابگوی گرفتاری های مردم بود.»¹⁷

و بالآخره، نکته مهم دیگر اینکه باتوجه به علاقه زیادی که امام به عبادت، تهجد، شب زنده داری و روزه داشته است به طوری که حتی روز شهادتش نیز روزه داشت. 18 و عبادت هایش زبانزد عامّ و خاص بوده و تعداد سفرهای حجّش از مدینه تا مکه - با فاصله 450 کیومتر - آن هم با پای پیاده، به بیست و پنج بار می رسید. 19 و نیز اموال خویش را سه مرتبه در راه خدا تقسیم کرد؛ 20 آیا چنین شخصی با گرفتاری ها و علائق فوق، می تواند چهارصد زن داشته باشد؟

آیا داستان کثیرالعیال بودن امام، به داستان کوسه و ریش پهن نمی ماند؟
آیا انسان منصف و حقیقت جو، اطمینان به وجود توطئه عظیم از سوی دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام پیدا نمی کند؟ و آیا آمار ادّعایی را کذب محض نمی بیند؟

روایات شیعه

علاوه بر گزارش هایی که نقل و نقّادی شد، روایاتی هم در خصوص موضوع بحث نقل شده است که ضمن اشاره به بعضی از آنها، در حدّ امکان به نقد آنها خواهیم پرداخت.
عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«انّ علیّاً قال و هو علی المنبر: لاتزوّجوا الحسن فانّه رجلٌ مطلق. فقام رجلٌ من هَمْدان فقال: بلی واللّه لنزوّجنّه و هو ابن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و ابن امیرالمؤمنین فإن شاء امسک و إنّ شاء طلق 21؛ علی بن ابیطالب در حالی که بر روی منبر بود، فرمود: دخترانتان را به ازدواج فرزندان حسن درنیاورید؛ زیرا او، مردی است که زیاد طلاق می دهد. در آن هنگام مردی از اهل هَمْدان برخاست و گفت: سوگند به خدا! ما دخترانمان را به ازدواج او درخواهیم آورد؛ زیرا او فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام است. پس چنانچه او را خواست، نگه می دارد و اگر نخواست، طلاق می دهد.»

مرحوم کلینی از یحیی بن ابی یعلا نقل می کند از قول امام صادق علیه السلام :
«همانا حسن بن علی پنجاه زن را طلاق داد و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای مردم کوفه! به حسن زن ندهید؛ زیرا وی، مردی است که زنان را طلاق می دهد. . . .» 22

در محاسن برقی از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «مردی خدمت امیرالمؤمنین رسید، عرض کرد: آمده ام با شما مشورتی بکنم؛ زیرا حسن و حسین و عبدالله بن جعفر جهت خواستگاری دخترم آمده اند. حضرت فرمود: کسی که مورد مشورت قرار می گیرد، باید امین باشد؛ راجع به فرزندان حسن، همانا او زنان را طلاق می دهد و اما حسین برای دخترت بهتر است، پس دخترت را به ازدواج حسین درآور.» 23

بررسی روایات

گرچه روایات فوق از روی حُسن نیت و البته مقداری هم از روی ساده اندیشی و کم دقتی، در بعضی از کتابهای شیعه به مناسبت های خاصّ آمده است؛ اما بررسی سند و محتوای احادیث، وجود ضعف و خدشه در آنها را ثابت می کند.

اما ضعف سند حدیث

در سلسله سند حدیث اوّل، که از عبدالله بن سنان نقل شده بود، دو نفر از راویان به نام های حمید بن زیاد و حسن بن محمد بن سماعه، قرار دارند که هردو از «واقفیه» هستند و قولشان در صورتی مورد قبول است که معارض قطعی نداشته باشد و حال آنکه در اینجا معارض وجود دارد؛ زیرا مبغوضیت طلاق از دیدگاه اسلام و احادیث نورانی برکسی پوشیده نیست. و حدیث نبوی «أَبْعَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ، الطَّلَاق»؛ 24 مبغوض ترین کار حلال در نزد خدا، طلاق است». مؤید مطلب است.

و حدیث دوم، که از یحیی بن ابی یعلا نقل شده است، این نام در کتاب های رجال برای دو شخص آمده است که یکی معروف به «کوفی» است و البته توثیق هم شده و اما دیگری معروف به «رازی» است که مورد بحث بوده و توثیق نشده و چگونگی وضعیت وی مجهول است. 25

و اما روایت سوم که از محمد بن علی برقی کوفی نقل شده، باز هم به رغم توثیقش، خالی از اشکال نیست؛ چون او در نقل روایات به افراد ضعیف اطمینان می کرده. مرحوم نجاشی گفته است: «محمد بن علی برقی، مردی صد درصد قابل اطمینان است و لکن در نقل احادیث، بر افراد ضعیف اعتماد کرده است و همچنین دارای روایات مرسله فراوانی است.» از این رو اعتماد بر روایات ایشان، که معارض هم دارد، مشکل است. 26

نقد و بررسی محتوای احادیث

اشکالات مهمّ دیگری هم از حیث محتوا بر آن وارد است؛ چرا که در روایات فوق، واژه «مطلق» آمده که به امام حسن علیه السلام نسبت داده شده بود. در حالی که طلاق های مکرّر، مستلزم ازدواج های متعدّد است؛ که در بحث قبل، این اتهامات رد شد. ضمناً در اینجا سؤالی پیش می آید که: چرا امام علیه السلام بدون مطالعه و شناخت، ازدواج می کرده تا بعد از مدت کوتاهی مجبور به طلاق شود؟ وانگهی زنان مُطلّقه، از چه خانواده هایی بوده اند و سبب جدایی چه بوده است؟ چه کسانی بر طلاق شهادت داده اند و زنهای مُطلّقه، پس از طلاق، به همسری چه کسانی در آمده اند؟

همه این سؤالات، بی جواب مانده است. در صورتی که افراد دیگری که اصلاً قابل قیاس با امام نبوده اند؛ احوالاتشان مورد به مورد آمده است.

مجموع مطالب فوق اشکالاتی است که بر احادیث نقل شده وارد شده است. اما اشکال ویژه ای هم بر حدیث سوم، یعنی حدیث برقی، مطرح است که در ذیل به صورت پرسش مطرح خواهد شد:

مشورت کننده چه کسی بود؟

- آیا او به صلاحدید حضرت امیر علیه السلام عمل کرد تا بتوان آن را شناخت؟

- برتری حسین علیه السلام بر حسن علیه السلام روشن شده است؛ اما برتری او بر عبدالله بن جعفر چه بوده است؟

- چه شد که یک دفعه، سه نفر (دو برادر و یک عموزاده) باهم به خواستگاری دختری رفتند؛ آن دختر که بود و چه امتیازی داشت؟

- آیا این مشورت قبل از سفارش علی علیه السلام نسبت به زن ندادن به حسن علیه السلام بوده است یا بعد از آن؟

الف) ابن شهر آشوب، به نقل از کتاب «قوت القلوب» ابوطالب مکی می گوید: «همانا او (حسن بن علی) با 250 زن ازدواج نمود و گفته شده 300 زن! علی از این ماجرا رنج می برد و زجر می کشید تا اینکه روزی در خطبه اش فرمود: حسن را زن ندهید که او زیاد طلاق می دهد. . . » 27

ب) بلاذری می نویسد: «حسن بن علی با 90 زن ازدواج کرد، سپس علی علیه السلام فرمود: آن قدر حسن ازدواج کرد و طلاق داد که می ترسم عمل او سبب دشمنی دیگر اقوام و قبایل علیه ما گردد. » 28
نقد و بررسی احایث فوق، به ویژه راویان آن، نشان می دهد مصدر و مرجع بیشتر این گونه احادیث، یکی از سه راوی ذیل است:

1. ابوطالب مکی، محمد بن علی بن عطیه، (م 380 ه . ق .)؛
 2. محمد بن عمر واقدی، (مشهور به واقدی) مورّخ معروف، (م 207 ه . ق .)؛
 3. ابوالحسن مدائنی، علی بن محمد بن عبدالله بصری، (م 225 ه . ق .).
- راویان فوق که اغلب سر منشأ روایات مورد بحث بودند، نه تنها از دیدگاه عالمان رجالی شیعه مورد وثوق و اطمینان نیستند؛ بلکه از دیدگاه عالمان اهل سنت هم مورد خدشه قرار گرفته اند.
- ابوطالب مکی: بسیاری، اخبار او را سست شمرده و گفته اند: او در آخر عمرش گرفتار جنون شده است. 29
عالمان رجال گفته اند: او (ابوطالب مکی) احادیثی را نقل کرده که اصل و اساسی ندارد. 30
خطیب بغدادی گفته است: در کتاب «قوت القلوب» مطالب نازیبا و زشتی وجود دارد که خود، گواه بر دروغ بودن آنهاست. 31 و چنانچه کسی چیزی را از او نقل کند، باید گفت از چگونگی حالش بی خبر بوده است.
- حال، با توجه به مطالب فوق، آیا می توان به گفته های اغراق آمیز او (مکی) اعتماد کرد؟
واقدی: روایات واقدی نیز خالی از خدشه و اشکال نیست؛ چرا که اولاً او را محکوم به سرقت علمی کرده اند و شافعی گفته است: نوشته های واقدی کذب محض است.
- معاویه بن صالح نیز احادیث او را ضعیف شمرده، و عبدالله بن علی مدنی از قول پدرش گفته است: نزد واقدی 000/20 حدیث بود که هرگز شنیده نشده بود. 32

ابوالحسن مدائنی: گفته شده است که مدائنی از ثناگویان اموی بود. او اخبار خود را از عوانة بن حکم (م 158 ه . ق .) گرفته است، که وی عثمانی بوده و برای حگام بنی امیه حدیث می ساخته است.

و دیگر اینکه مدائنی تحت تأثیر افکار سمرة بن حبیب که مولای او بود، قرار گرفته و صد در صد از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده است. 33 وی در ثنای معاویه نیز اشعاری سروده است.

مؤلف صحیح مسلم نیز از نقل مطالب و روایات توسط مدائنی خودداری می کرد. و ابن عدی در کتاب خود (الکامل) گفته است: احادیث مدائنی از قوّت و اعتبار برخوردار نیست و کمتر روایتی را نقل می کند که مسند باشد.

نام همسران امام حسن علیه السلام

حال مناسب است از باب نتیجه گیری کلی اعتراف نماییم که مورّخان آن عصر - اعمّ از شیعه و سنی - با همه تفحصاتی که داشته اند، حدّاكثر نام و نشانی که از همسران امام حسن علیه السلام ارائه داده اند، 18 نفر می

باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

1. حفصه؛ دختر عبدالرحمن بن ابی بکر؛
 2. زنی از خاندان بنی ثقیف؛
 3. هند؛ دختر سهل بن عمر؛
 4. زنی از خاندان علقمة بن زرارة؛
 5. زنی از قبیله عمرو بن ابراهیم منقری؛
 6. زنی از قبیله بنی شیبان؛ که به جهت هم فکری با خوارج، طلاق داده شد. 35
 7. زنی از قبیله کلب (بنی کلاب)؛
 8. خوله؛ دختر منظور بن زیاد فزاری؛
 9. امّ اسحاق؛ دختر طلحة بن عبیدالله تیمی؛
 10. امّ بشیر؛ دختر ابومسعود عقبه بن عمر انصاری خزرجی؛
 11. جُعه؛ دختر اشعث بن قیس کندی، همان که به امام علیه السلام زهر خوراند و او را شهید کرد؛
 12. امّ کلثوم؛ دختر فضل بن عباس بن عبدالمطلب؛
 13. نفیله (امّ ولد) و یا رمله؛ که مادر قاسم بن حسن علیه السلام است؛
 14. زینب؛ دختر سُبَیْع بن عبدالله (برادر جریر بن عبدالله)؛
 15. عایشه خثعمیه؛ 36
 16. صافیه (امّ ولد)؛ 37
 17. شهربانو؛ 38
 18. امّ رباب؛ دختر امرء القیس بن عدی تیم.
- آری با کمال تعجّب باید قبول کرد که همین تعداد هیجده نفر به عنوان همسران امام حسن علیه السلام در تاریخ ذکر شده است و نه بیشتر! و اما اینکه 382 نفر دیگر به چه انگیزه و منظوری بدان افزوده شده است؟ قضاوت با شما!

پی نوشت ها:

1. دائرة المعارف اسلامی، ج 7، ص 400، واژه «حسن» مقاله رامنس.
2. حقایق پنهان، ص 358، به نقل از ناسخ التواریخ.
3. البداء و التاریخ، بلخی، ج 5، ص 74.
4. اعلام الوری، طبرسی، ج 1، ص 416.
5. ارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 20.
6. زندگانی دوازده امام، هاشم معروف الحسینی، ج 1، ص 607.
7. بحارالانوار، مجلسی، ج 44، ص 173، ح 9.
8. البداء و التاریخ، ج 5، ص 74.

9. مناقب، ابن شهرآشوب، ج 4، ص 34.
10. زندگانی چهارده معصوم، عمادزاده، ج 1، ص 552.
11. صلح الحسن، شیخ راضی آل یاسین، ص 25.
12. مروج الذهب، مسعودی، ج 3، ص 311، ترجمه ج 2، ص 304.
13. بحارالانوار، ج 100، ص 220.
14. حقایق پنهان، ص 358، به نقل از ناسخ التواریخ.
15. البداء و التاریخ، ج 5، ص 74.
16. اصول کافی، کلینی، ج 4، ص 38.
17. حیاة الامام الحسن، ج 2، ص 450، به نقل از حقایق پنهان، ص 340.
18. به گزارش تلویزیون جمهوری اسلامی.
19. انساب الاشراف، بلاذری، ج 3، ص 21.
20. جلاءالعیون، مجلسی، ص 271.
21. بحارالانوار، ج 43، ص 239.
22. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ص 222.
23. فروع کافی، ج 6، ص 56، ح 4.
24. همان.
25. محاسن برقی، ج 2، ص 436.
26. سنن ابی داوود، ج 2، ص 632.
27. معجم رجال الحدیث، خویی، ج 21، ص 25.
28. همان.
29. بحارالانوار، ج 44، ص 169، ح 4.
30. انساب الاشراف، ج 3، ص 25، ح 36.
31. الکنی واللقاب، ج 1، ص 106؛ حقایق پنهان، ص 352.
32. میزان الاعتدال، ذهبی، ج 3، ص 655.
33. الاعلام، ج 6، ص 274؛ معجم رجال الحدیث، ج 17، ص 73؛ حقایق پنهان، ص 352.
34. حقایق پنهان، ص 353.
35. لسان المیزان، ابن حجر، ج 4، ص 386؛ زندگی دوازده امام، ج 1، ص 602.
36. میزان الاعتدال، ج 3، ص 153؛ زندگی دوازده امام، ج 1، ص 604.
37. حیاة الامام حسن، ج 2، ص 260 و ترجمه حجازی، ص 669.
38. همان.
39. ناسخ التواریخ، ج 2، ص 296؛ حقایق پنهان، ص 340.
40. اثبات الوصیة، مسعودی، ص 167؛ حقایق پنهان، ص 340.